

# اگر توافق نمی‌شد

دکتر کیهان برزگر، مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد علوم و تحقیقات



توافق هسته‌ای ژنو با نظر مثبت ایران و گروه ۵+۱ وارد مرحله اجرایی شد. در طول چند ماه گذشته این توافق با روش‌های مختلف ارزیابی شد. یک روش تحلیل هم این است که بگوییم اگر توافق صورت نمی‌گرفت چه اتفاقی می‌افتاد؟

**نخست،** بهانه بیشتری به کنگره آمریکا برای افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران داده می‌شد. هر چند نمایندگان تدریجی سنای آمریکا تحت تأثیر لابی اسرائیل همچنان طرح افزایش تحریم‌ها را فعال نگه داشته‌اند، اما اجرایی کردن توافق نامه ژنو تا حد زیادی این تلاش را خنثی می‌کند. بحث اصلی هم در محافل قدرت آمریکا این است که تحریم‌های جدید ائتلاف شکننده موجود در ۵+۱ را از بین می‌برد. چون کشورهای اروپایی، روسیه و چین به دلیل همکاری ایران دیگر دنباله‌روی آمریکا از این مرحله به بعد نخواهند بود. این مسئله می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای معلق کردن این طرح باشد.

**دوم،** تداوم تحریم‌ها منجر به تضعیف بیشتر اقتصاد ملی می‌شد. هر چند این بحث مطرح است که افزایش تحریم‌ها سیاست هسته‌ای ایران را به دلیل هزینه‌های صورت گرفته در این مرحله تغییر نخواهد داد و اینکه اصولاً ایران به دلیل تحریم‌ها وارد مذاکره نشده، اما تداوم تحریم‌ها به هر حال اقتصاد ملی را ضعیف کرده است. تقابل اقتصادی ایران با غرب منجر به هدر رفتن بیشتر انرژی ایران می‌شود و این مسئله به نفع جایگاه و نقش اقتصادی - سیاسی ایران به عنوان یک قدرت در حال ظهور در معادلات منطقه‌ای نیست. منافع ناشی از تداوم تحریم‌ها در بعضی از حوزه‌ها مثل صدور نفت غیر قابل جایگزین است. این منافع برای همیشه از جیب ایران خارج و به جیب رقبای فرصت طلب مثل عربستان سعودی می‌رود که ظرفیت صدور انرژی ایران را پر می‌کنند.

**سوم،** نقش سیاسی - امنیتی رقبای منطقه‌ای ایران افزایش می‌یافت. کشورهای مثل عربستان سعودی و اسرائیل افزایش نقش و اهمیت خود را به طور سنتی در تضعیف نقش ایران در منطقه و تنش در روابط ایران و غرب به خصوص آمریکا در نظر می‌گیرند. در حالت خوشبینانه، کشورهای مثل ترکیه و قطر هم خواهان حفظ تعادل قدرت در منطقه به نفع منافع خود هستند و لذا حضور پررنگ و سرنوشت ساز ایران در هر مسئله منطقه‌ای نگران می‌شوند. توافق هسته‌ای

خلاصه دو بخش تحلیل قبل را می‌شود اینگونه جمع‌بندی کرد که مادر «گام اول» امتیازهای زیادی داده ایم و در مقابل امتیازهای کمی گرفته ایم در مقابل توانستیم برای اولین بار کشورهای غربی را مجاب کنیم که از لحاظ سیاسی ادبیات غنی‌سازی را وارد بازی کنند حال سوال این است که با این وصف آیا این توافقنامه همچنان قابل دفاع است یعنی خرج کردن قریب به اتفاق بر گهای برنده‌مان در راند مقدماتی در قبال دستاوردهای سیاسی در حوزه غنی‌سازی، کمی رفع تحریم‌ها و آزاد شدن بخشی از درآمد هایمان ارزشمند بوده است؟ جواب من به این سوال در یک کلام بله است البته مشروط.

توضیح اینکه در ست است که ما از لحاظ حقوقی توافقنامه‌ای تقریباً یک طرفه را به امضا رسانده ایم اما چند نکته را باید مورد توجه قرار داد: اولاً امتیازاتی که ما برای گام اول دادیم هیچ کدام خط قرمز مانده است در ست است که برگ‌هایی بوده است برای قدرت چانه‌زنی ما و از دست دادن آن‌ها کار را برای ادامه مذاکرات سخت می‌کند اما خط قرمز مانده است در قبال آن دستاوردهای سیاسی مهمی مبنی بر وارد کردن بحث درباره تفاهم بر سر غنی‌سازی را در مذاکرات به دست آورده ایم. ثانیاً باید به دیپلماسی نگاهی فرآیندی داشت نه مقطعی و آن هم باید در نظر گرفتن شرایط. هم نمی‌توان بی توجه به شرایط بدون در نظر گرفتن فضای موجود و صرفاً بانگاهی حقوقی یک توافقنامه حقوقی، فنی و سیاسی را بررسی کرد و هم باید متوجه بود که قرار نیست همه خواسته‌های مادر همان نقطه آغاز به ثمر برسد به عنوان مثال می‌توان در اولین گام وارد کردن ادبیات غنی‌سازی را به مذاکرات از نظر سیاسی مقدمه‌ای دانست برای پذیرفتن حق غنی‌سازی در خاک ایران از نظر حقوقی. ثالثاً آنجا که ایران هیچ‌گاه دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نیست لذا گذر زمان به شکلی که امکان فعالیت دیپلماتیک را مایل شود چندان به نفع مان نیست برای همه کارشناسان بدیهی است که اگر این توافقنامه به نتیجه نمی‌رسید احتمالاً کنگره آمریکا قانون تشدید تحریم‌ها را به گونه‌ای وضع می‌کرد که عملاً باب مذاکره به طور کامل بسته می‌شد و این مساله فرصت تعامل و دیپلماسی فعال را از ما می‌گرفت و این همان چیزی بود که اسرائیل دوست داشت. البته من به دلایلی همچنان به آینده نتیجه بخش بودن به تفاهم رسیدن با آمریکا خوش بین نیستم به همین دلیل فایده ادامه مذاکرات را در کنار امکان احتمالی تفاهم، بیشتر فرصتی می‌دانم برای دیپلماسی عمومی لذا معتقدم ما نیاز داریم بتوانیم همچنان با دنیا (منظور از دنیا دولتمردان آمریکا و انگلیس و فرانسه نیست) تعامل کنیم نباید باب فرصتی به این بزرگی که به دلیل مرکز توجه بودن مذاکرات، حرف‌های مسئولین ما از فیلتر امپراتوری رسانه‌ای غرب عبور می‌کند به این زودی بسته شود. ما باید فرصت داشته باشیم تا بتوانیم به نخبگان مستقل موجود در کشورهای دشمنی مانند آمریکا و همچنین دولتمردان، نخبگان و مردم دیگر کشورهایی که به دلیل جریان‌سازی رسانه‌ای و «بی ارتباطی» (nonconnection) مقابل ما قرار گرفته‌اند، نشان دهیم که همیشه حاضر بودیم و حالا هم حاضریم به یک توافقی منطقی دست یابیم که در آن، هم حق غنی‌سازی مان حفظ شود و هم آشکارتر از گذشته اثبات شود که نه ساخت و نه حتی در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای جایگاهی در دکرترین دفاعی کشورمان ندارد و این دیگران هستند که با بهانه جویی و زیاده‌خواهی مانع این مساله می‌شوند. خلاصه آنکه، خوشحالی که این روزها در مسئولان و رسانه‌های بینیم را اغراق آمیز و سمی خطرناک برای به نتیجه رسیدن ادامه مذاکرات می‌دانم اما بر این باورم اگر چه از نظر حقوقی ما با «توافقنامه‌ای خوب» روبرو نیستیم اما متناسب با شرایط از نظر سیاسی ما با «توافقنامه‌ای خوب» مواجهیم که فرصتی به ما داد تا با آن به تفاهمی خوب در همه حوزه‌های سیاسی، حقوقی و فنی برسیم یا در زمینه دیپلماسی عمومی مواضع برحق خود را به گوش دنیا برسانیم مشروط به اینکه از این فرصت در هر دو زمینه استفاده شود.

\* این یادداشت بیشتر در تاریخ ۱۳۹۲/۲ یعنی ۲ روز پس از توافق ژنو به عنوان سرمقاله روزنامه خراسان منتشر شده است که به دلیل مغفول بودن این نگاه از دید دیگر کارشناسان باز نشر آن مفید تشخیص داده شد.

ژنو و نزدیکی ایران و غرب منجر به تضعیف نقش این کشورها و تقویت نقش ایران و به تبع متحدان آن همچون عراق، سوریه و لبنان (حزب الله) می‌شود. در روزهای آینده شاهد فعالیت‌های بیشتر دیپلماتیک ایران در حل پرونده‌های منطقه‌ای از جمله بحران سوریه و شکاف بیشتر در جبهه ائتلافی رقبای منطقه‌ای ایران خواهیم بود.

**چهارم،** متحدان بین‌المللی ایران منفعل‌تر می‌شدند. بعضی از دیدگاه‌ها معتقدند که کشورهای مثل روسیه و چین از افزایش تحریم‌ها علیه ایران نفع می‌برند و اینکه چندان هم از توافق نامه ژنو خوشحال نیستند. چون فکر می‌کنند تقویت روابط ایران و غرب به بهای کاهش روابط ایران با این کشورها خواهد بود. از آثار مثبت توافق نامه ژنو این است که با نزدیکی ایران و غرب و ایجاد رقابت و هیجان جدید، روسیه و چین از حالت نقش انفعالی و سستی خود در گروه ۵+۱ خارج و تلاش بیشتری برای نزدیکی با ایران خواهند کرد. نتیجه اینکه نقش آن‌ها در مذاکرات هسته‌ای به نفع ایران فعال‌تر و مثبت‌تر خواهد شد و همزمان شکل کلاسیک روابط اقتصادی و سیاسی آن‌ها در نتیجه رفع تحریم‌ها حفظ و تقویت می‌شود. مثلاً بسیاری از منابع مالی شرکت‌های روسی که در بانک‌های غربی بلوکه است آزاد می‌شوند. بعضی از این شرکت‌ها سهامدار بعضی از شرکت‌های بزرگ نفتی غربی مثل توتال هستند. چین هم بیش از این تحت فشار برای کاهش واردات نفت از ایران و انتقال منابع مالی آن نخواهد بود.

**پنجم،** تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه افزایش می‌یافت. برهم خوردن توافق هسته‌ای ژنو به معنای تداوم بی‌اعتمادی و تضادهای موجود میان ایران و غرب در حل مسائل منطقه‌ای و به تبع تداوم بحران‌هایی همچون بحران سوریه است. عدم توسل به یک راه حل سیاسی در نتیجه همکاری‌های منطقه‌ای و فراموشی خود منجر به فرصت طلایی، تقویت و رشد نیروهای افراطی و ضد ایرانی، تروریست و وابسته به القاعده می‌شود. تداوم این مسئله به داخل مرزهای عراق (همانگونه که در استان الانبار عراق شاهد هستیم) کشیده می‌شود و در نهایت برای منافع و امنیت ملی ایران تأثیرات منفی خواهد گذاشت. **ششم،** نهایتاً احتمال جنگ افزایش می‌یافت. شاید مهم‌ترین جنبه عدم توافق ایران و غرب، افزایش نقش جریان‌های جنگ طلب در ساخت قدرت آمریکا باشد. فراتر از روحیه مقاومت و شکست‌ناپذیری ملت ایران، هر جنگی به هر حال آثار زیانبار اجتماعی - انسانی و اقتصادی بر یک ملت دارد که تا سال‌ها گریبان‌گیر یک نسل می‌شود. پرهیز از جنگ وظیفه بنیادی یک دولت است.

بنابراین توافق هسته‌ای ژنو معادلات سیاسی - امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی را به نفع ایران عوض کرده و این کشور در حد و اندازه قدرت ملی خود توانسته است خواسته‌های خود را به طرف مقابل بقبولاند. این تحول آغاز دستیابی به یک توافق پایدار و جامع هسته‌ای است که در صورت تحقق می‌تواند انرژی ملت ایران را در خدمت توسعه و شکوفایی اقتصاد داخلی و تقویت جایگاه ملی و بین‌المللی آن‌ها می‌کند. توافق ژنو در کلیت آن تا این مرحله یک برد برای ایران است.



منبع: دیپلماسی ایرانی